

دکتر حسین عظیمی (آرانی)

به کوشش خسرو نورمحمدی

نوسعه، برنامه ریزی، سیاست و فرهنگ



- سرشناسه: عظیمی آرائی، حسین، ۱۳۲۷-۱۳۸۲.
- عنوان و نام پدیدآور: اقتصاد ایران: توسعه، برنامه‌ریزی، سیاست و فرهنگ: (مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها) / حسین عظیمی (آرائی): به کوشش خسرو نورمحمدی.
- مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۱.
- مشخصات ظاهری: ۷۴۲ ص: نمودار.
- شابک: 978-964-185-245-2
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
- موضوع: ایران - اوضاع اقتصادی - مقاله‌ها و خطابه‌ها: ایران - سیاست اقتصادی - مقاله‌ها و خطابه‌ها
- شناسه افزوده: نورمحمدی، خسرو، گردآورنده
- رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ الف ۷۶ / HC ۲۷۵۱
- رده‌بندی دیویی: ۳۳۰/۹۵۵
- شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۷۳۰۴۴



ناشرنی

اقتصاد ایران

توسعه، برنامه‌ریزی، سیاست و فرهنگ

(مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها)

دکتر حسین عظیمی (آرانی)

به کوشش خسرو نورمحمدی

چاپ اول تهران، ۱۳۹۱

تعداد ۱۵۰۰ نسخه

قیمت ۱۸۰۰۰ تومان

نیتوگرافی غزال

چاپ غزال

ناظر چاپ بهمن سراج

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۹۷۸ ۹۶۴ ۱۸۵ ۲۴۵ ۲

www.nashreny.com

فهرست مطالب

پیشگفتار	۹
تشکر و قدردانی	۱۷
به جای مقدمه: ماهیت و روش در علم اقتصاد	۱۹

بخش اول: برنامه‌ریزی و توسعه

۱: توسعه پایدار، اقتصاد بدون نفت	۴۵
۲: چالش‌های توسعه صنعتی در ایران	۵۸
۳: راز گذر از جامعه کهنه	۸۲
۴: تحلیل تاریخی دشواری‌های توسعه در ایران (راه میان‌بر وجود ندارد)	۸۷
۵: سنت و مدرنیسم و موانع توسعه ایران	۹۳
۶: سنت و مدرنیسم در برنامه‌های توسعه ایران	۱۱۵
۷: اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی توسعه و برنامه‌های چشم‌انداز	۱۲۲
۸: مسیرهای تهیه و تنظیم برنامه چهارم توسعه کشور	۱۴۸
۹: از برنامه «چه می‌خواستیم به چه رسیدیم»؟	۱۵۷
۱۰: نگاهی به تحولات توسعه‌ای در ایران	۱۷۲
۱۱: فلسفه برنامه‌ریزی	۱۷۷
۱۲: خروج از بحران نیازمند «برنامه» یا «معجزه»؟	۲۱۶

بخش دوم: اقتصاد ایران

۲۲۹	۱: بیهوشی مغزی یا کما در اقتصاد ایران
۲۳۸	۲: نفت و توسعه
۲۶۱	۳: دانش و دانایی ملی و توسعه اقتصاد ایران
۲۷۴	۴: الگوی نظری اقتصاد ایران؟ هیچ، تسلیم شرایط عملی بوده ایم
۲۹۸	۵: تحولات اخیر اقتصاد ایران از دیدگاه نظریه توسعه
۳۱۵	۶: خصوصی سازی انرژی
۳۳۳	۷: بهره وری و توسعه اقتصاد ملی در ایران
۳۴۳	۸: بهره وری در فرایند توسعه
۳۵۷	۹: در رابطه با بخش صنعت
۳۷۸	۱۰: آموزش ابتدایی و آینده توسعه در جامعه ایران
۴۱۷	۱۱: بودجه ابزاری در دست دولت برای کنترل مردم
۴۲۸	۱۲: دولت در لایحه بودجه ۱۳۷۸ فشار کاهش درآمدهای نفت را به مردم منتقل کرده است
۴۳۶	۱۳: لایحه بودجه ۱۳۷۸ از دیدگاه تحلیل ساختاری

بخش سوم: اقتصاد سیاسی

۴۶۵	۱: جامعه آرمانی در تفکر بشری و اقتصاد آرمانی در قانون اساسی
۴۷۶	۲: بر بستر این اقتصاد، جامعه مدنی شکل نمی گیرد
۴۹۴	۳: الگو و استراتژی توسعه ایران در آئینه قانون اساسی
۵۱۰	۴: راهی به سوی توسعه؛ دولت کارآمد و مقتدر
۵۲۰	۵: الزامات تحولات توسعه ای و ساختار نهادی حکومت
۵۳۱	۶: توسعه و دولت
۵۵۳	۷: مناسبات اقتصادی طراحی شده در قانون اساسی
۵۶۳	۸: لیبرالیسم و سوسیالیسم در جهان جدید
۵۷۵	۹: جامعه مدنی زود خاک گرفت
۵۸۶	۱۰: آرایش جهانی قدرت ها، خلیج فارس و منافع ملی ما
۵۹۰	۱۱: آینده نگری در انتخاب مزیت ها
۵۹۹	۱۲: بازخوانی حکایت گرگ و میش (جهانی شدن)
۶۰۸	۱۳: در انتخاب برای جهانی شدن نیازمند واقع گرایی، برنامه ریزی و اصلاح ساختار هستیم

- ۱۴: جهانی شدن، دموکراسی و آیندای که خواهد آمد ۶۱۴
- ۱۵: جهانی شدن ۶۳۳

بخش چهارم: فرهنگ و اقتصاد

- ۱: دین، فرهنگ و توسعه ۶۴۷
- ۲: فرهنگ و توسعه ۶۸۵
- ۳: فرهنگ و توسعه ملی (یک تحلیل نظری) ۷۲۰
- ۴: تحولات شهرسازی و معماری کشور در گذر توسعه‌ای ۷۲۶
- ۵: تصویری از مبنای تلفیقی آزادی (فرهنگ، انسان، آزادی) ۷۳۹

پیشگفتار

معرفی اجمالی مرحوم دکتر حسین عظیمی

دکتر حسین عظیمی آرائی در سال ۱۳۲۷ در روستای آران از توابع کاشان متولد شد. در سال ۱۳۴۴ وارد دوره کارشناسی رشته اقتصاد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۹ دوره کارشناسی ارشد اقتصاد با گرایش توسعه را آغاز و مدرك خود را با رتبه ممتاز از این دانشگاه اخذ کرد. ارتباط علمی میان دانشگاه‌های تهران و آکسفورد موجب شد تا او به عنوان برترین دانشجو برای ادامه تحصیل بورسیه شود. او در این دانشگاه دوره تحقیق در علوم اقتصادی را گذراند که به فلسفه اقتصاد و فلسفه علوم اجتماعی می‌پرداخت و هم‌پایه مقطع کارشناسی ارشد به حساب می‌آمد. سپس، در سال ۱۳۵۹، دوره دکتری رشته اقتصاد توسعه را در دانشگاه آکسفورد، با درجه عالی، به پایان رساند. موضوع رساله مرحوم عظیمی، با توجه به علاقه‌ای که به رفع مشکلاتی داشت که فقر بر مردم کشور تحمیل می‌کرد، «بررسی رابطه رشد اقتصادی، توزیع درآمد و فقر با توجه به مسائل ایران» انتخاب شده بود. با پایان یافتن دوره تحصیل در آکسفورد، با وجود اعطای کرسی استادی به ایشان، به دلیل علاقه‌ای که به وطن و مردم کشورش داشت به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۶۸ مسئولیت‌های مختلفی را در سازمان برنامه و بودجه برعهده گرفت.

دکتر عظیمی علاوه بر تدریس دوره‌های دکتری و کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، شهید بهشتی و...، از سال ۱۳۶۸ به عضویت هیئت علمی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی درآمد. بین سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ به

عنوان استاد مدعو به دانشگاه آکسفورد رفت و به‌رغم پیشنهاد ادامه کار از سوی آکسفورد، بعد از یک سال به ایران بازگشت؛ گفته بود: «ترجیح دادم به کشور خود بازگردم و در آب و خاک وطنم و در آغوش فرهنگ و فضای ایرانی زندگی کنم».

از سال ۱۳۷۸ به بیماری سرطان مبتلا شده بود و نیاز به استراحت داشت ولی برخلاف توصیه پزشکان، دوستان و خانواده به‌عنوان معاون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و رئیس مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی مشغول به کار شد. او اعتقاد داشت باید چشم‌انداز مشترکی از توسعه یافت؛ چشم‌اندازی که اکثریت قریب به اتفاق جامعه آن را پذیرفته باشند. به همین دلیل، «همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران» را با مشارکت سازمان‌ها، مراکز تحقیقاتی و اندیشمندان مختلف برگزار کرد. دکتر عظیمی در حال تدوین برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، در هجدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۲ در سن ۵۵ سالگی، درگذشت.

در این مجموعه، برای معرفی نگرش علمی شادروان عظیمی، ۴۶ اثر گردآوری شده‌اند که در کنار هم می‌توانند، تا حدی، راگنا باشند. شادروان عظیمی به کاربردی و بومی کردن علم اقتصاد توجه و اهتمام داشت و دغدغه توسعه کشور و منافع اجتماعی آن بر منافع شخصی او سایه انداخته بود.

نگرش علمی عظیمی

دکتر حسین عظیمی به‌عنوان اقتصاددان توسعه، به تحلیل‌های متفاوت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی خود شناخته شده است. تنها با شناخت بهتر چارچوب فکری اوست که می‌توان به چرایی عرضه چنین تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی پی برد. در این جا می‌کوشم تا عناصر اصلی تشکیل دهنده این چارچوب فکری را مشخص کنم:

۱. شناخت دنیای صنعتی و روند تحولات آن بر مبنای الگوی تمدن‌سازی (توسعه):

عظیمی تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دنیای صنعتی و تئوری‌های علمی ذریبط را می‌شناخت و بر ماهیت و روش علم اقتصاد به‌عنوان علمی اجتماعی تسلط داشت. به همین دلیل معتقد بود که دنیای صنعتی با تحولات فرهنگی و با یافتن بینش و بصیرتی جدید، بذر اولیه دوران تاریخی جدید یا، به عبارت دیگر، تمدن جدید صنعتی را کاشته است. او معتقد بود که ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی تمدن قدیم و سنتی بشر بر دو مبنای سنت و فرمان استوار بوده است؛ یعنی، در همه جا، یا تولید و فرهنگ

و... در کار بوده است یا، در غیر این صورت، کسی بوده که فرمانی صادر می کرده. رنسانس، در حقیقت، محورهایی را که در پی می آیند جایگزین محوریت آن ساختارها کرد و، به این ترتیب، تمدن جدید صنعتی، یا همان توسعه، بر اساس همین محورها به بار نشست:

- انسان باوری: به این معنا که اصالت انسان باید پذیرفته شود و شرایط تحقق نیازهای تک تک انسان های جامعه (معیشت، امنیت و هویت) فراهم آید. این پیش جدید باعث شد که ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تمدن جدید تغییر کند و متناسب گردند.

- علم باوری: «دوران تمدن جدید صنعتی، یا همان توسعه، از روزی شکل گرفت که انسان درک کرد در کنار معرفت عرفانی، فلسفی و اخلاقی می تواند از معرفت تجربی (علم و فن) نیز استفاده کند و در نتیجه ظرفیت عظیمی به دست آورد... حدود دویست و پنجاه سال طول کشید تا دنیا این پدیده را بپذیرفت و درونی کرد، یعنی از سال ۱۷۵۰ میلادی سازگاری فکری نهادها و سازمان ها با این تمدن و اندیشه و بصیرت جدید آغاز شد...»^۱

عظیمی، بر این اساس، توسعه را به معنای دوران تمدن جدید بشری می داند و چنین تعاریفی از آن عرضه می کند: «فرایندی که طی آن جامعه از یک دوران تاریخی به دوران تاریخی بعدی منتقل می شود»، «بازسازی تمامی نهادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه بر اساس یک اندیشه و بصیرت محوری جدید»، «مرگ نظام کهن تاریخی و تولد نظامی نو». توسعه به مفهوم اختلاف نحوه زندگی در دو دوره تاریخی است و «داستان توسعه اقتصادی، داستان تحول تاریخی است؛ بنابراین نباید توسعه را با شاخص هایی مانند درآمد سرانه و شکاف بین تولید کشورهای توسعه نیافته و توسعه یافته تعریف کرد. توسعه نیافتگی به تحول دوران تاریخی بشر مربوط می شود. یک تحول جدید و یک دوران تاریخی جدید به وجود آمده است. آنان که توانسته اند در گذر از دوره جدید موفق باشند، توسعه یافته اند و آنان که نتوانسته اند این توفیق را به دست آورند، به اندازه یک دوران تاریخی از حرکت بشریت عقب مانده اند».

۲. شناخت اقتصاد ایران و روند تحولات آن از دیدگاه تمدن سنتی و تمدن جدید صنعتی:
دکتر عظیمی مطالعات مناسبی در مورد تحولات، عوامل و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران داشت. او با شناخت سیر تحول و قانونمندی های جوامع

۱. دکتر حسین عظیمی. «توسعه و دولت»، سخنرانی و پرسش و پاسخ در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی. ۲۱/۲/۱۳۷۳.

صنعتی، شرایط ایران را در قالب یک جامعه در حال گذار از تمدن سنتی قدیم به تمدن جدید بررسی کرده است.

۳. *عرضه راهکار حرکت اقتصاد ایران از تمدن قدیم به تمدن جدید با تأکید بر محوریت تحول فرهنگی:*

عظیمی، ضمن بررسی شرایط و قانونمندی های اقتصادی-اجتماعی ایران، در پاسخ به این سؤال که آیا قانونمندی ها و عوامل مؤثر توسعه یا تمدن سازی جدید در شرایط «متفاوت در حال گذار ایران» همان نتایج را به ارمغان خواهند آورد یا خیر، «معتقد بود هر تحلیل موضوعی باید با منطق اقتصاد ایران سازگاری داشته باشد، تحلیل های صرفاً تئوریک جز تلف کردن وقت و انرژی دستاورد چندانی ندارد. از سوی دیگر، برای توسعه راه میانبر وجود ندارد^۱». با مطالعه نظریات عظیمی در مجموعه حاضر، با مفاهیمی نو، روابطی بدیع، و همچنین با قانونمندی ها و کاربردها آشنا می شویم.

عظیمی تلاش کرد تا در نوشته های خود نشان دهد که وضع گذشته، حاضر و آینده ایران را باید در بستر تمدن جدید بشری دید و تفسیر کرد. او می نویسد: «همه کشورهای توسعه یافته در دو خصیصه مشترک اند که ما هم برای توسعه، باید در این زمینه ها با آنها مشترک باشیم. اولاً فرهنگ شان علم محور است، ثانیاً فرهنگ شان انسان محور است؛ و بحث توسعه اساساً جایگزینی این اندیشه هاست، نه چیز دیگر». «در تمدن جدید، اصل بر برابری، آزادی و اصالت فرد است و هویت بگانه هیچ انسانی نباید مورد تهاجم قرار گیرد. اگر این تهاجم صورت گیرد، تمدن جدید قابل ساختن نیست. ظرفیت تمدن جدید متکی بر تک تک انسان هاست. یعنی اگر ما بتوانیم شرایط سحر فای تک تک انسان های مان را فراهم کنیم، توسعه در کشور ما هم اتفاق خواهد افتاد و اگر نتوانیم، اتفاق نخواهد افتاد»^۲. «عظیمی اعتقادی به علم اقتصاد واحد نداشت و معتقد بود که علم اقتصاد در کشورهای در حال توسعه (در حال گذار) همان اقتصاد توسعه است و تدریس نظریات غیر توسعه ای کشورهای غربی برای کشورهای در حال توسعه کاربرد ندارد. از این رو، وی معتقد بود که باید از نظریات شکل گرفته در غرب استفاده کرد ولی باید آنها را بومی و توسعه ای کرد. بسیاری از تئوری های غربی نامناسب هستند که باید کنار گذاشته شوند. در این خصوص مهارت دکتر عظیمی در الگ کردن اندیشه های علمی بود. وی به خوبی در انطباق دادن نظریات اندیشمندان توسعه در بعد از جنگ جهانی دوم با شرایط اجتماعی-اقتصادی ایران

۱. دکتر محمد سعید نووی نائینی

۲. حسین عظیمی، ایران امروز در آینه مباحث توسعه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۵۱.

مهارت داشت و به خوبی عدم تطابق بسیاری از نظریات را بیان می‌کرد.^۱

عظیمی در باره الگوی تمدن اسلامی-ایرانی می‌گوید: «تمدن جدید بشری یعنی تمدن صنعتی با حذف دو اندیشه فرمان اشرافیت و سنت، و ایجاد دو اندیشه محوری انسان‌باوری و علم‌باوری بنیان یافته است. تمدن اسلامی نیز در آغاز ظهور خود، با اندیشه‌ای متفاوت با اندیشه اشرافیت شروع شد و اساسش این بود که انسان‌ها هر کدام اصالت داشته و چیزی از وجود خدا در آن‌هاست و همین موجب می‌شود تا همه با هم برابر شوند. وجود اندیشه اشرافیت، با نگاه یک تمدن عظیم بود و تمدن اسلامی زمانی سقوط کرد که این اندیشه‌ها نیز سقوط کردند. وقتی ما به دین خودمان اسلام نگاه می‌کنیم، مشهور است که اولین مبارزه اسلام با اشرافیت بوده است. یعنی دین اسلام در ابتدا اولین چیزی که مطرح می‌کند برابری انسان است و هیچ‌گونه برتری به هیچ قشر و آدمی نمی‌دهد. فقط بحث تقوا مطرح است و جز این نیست. تمدن اسلامی که ساخته شد بر اساس همان اندیشه برابری بود. تمام مخالفت‌هایی که از صدر اسلام با اسلام شکل گرفت ناشی از این بود که نهادهای صدر اسلام، نهادهای غیر اسلامی آن موقع، حتی بر اشرافیت بود. اسلام به این معنی اصلاً در حقیقت محوریت توسعه را مطرح می‌کند.^۲

عظیمی در بررسی‌های خود با توجه به منابع و شرایط، امکان ساختن تمدن جدید ایرانی را، برای سومین بار، ممکن و حتی سهل‌تر از بسیاری کشورها دانسته و در مقالات متعدد خود احیای تمدن جدید ایرانی را ممکن و مشروط بر احیای اندیشه‌های محوری اسلام، که همان اندیشه‌های محوری تمدن جدید صنعتی است، می‌داند. او معتقد است آینده توسعه کشور می‌تواند پریچ‌وخم باشد (مانند کشورهای اروپایی با تأکید بر محور سرمایه‌گذاری فیزیکی) و نیز می‌تواند مانند ژاپن (با تأکید بر محور سرمایه‌انسانی با روش فرهنگی) از مسیری کوتاه و بدون بحران‌های شدید باشد؛ لذا عظیمی محور توسعه را تحول فرهنگی می‌داند. او معتقد است شخصیت اجتماعی انسان‌ها عمدتاً در دوران ۵ تا ۱۵ سالگی شکل می‌گیرد؛ بنابراین، او همواره بر نقش تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی و پرورشی کردن محورهای تمدن‌سازی جدید یا توسعه تأکید دارد، تا جایی که معتقد است توسعه ایران روزی شروع خواهد شد که از مدارس ابتدایی فرهنگ‌سازی را آغاز کنیم.

۱. دکتر مرتضی ایمانی‌راد

۲. حسین عظیمی، «انسان‌باوری، خردباوری، دین‌باوری»، همایش توسعه استان گیلان، ۱۳۷۷.

درباره کتاب حاضر

شناخت آراء و نظریات دانشمندان جامعه یکی از راه‌های گسترش علم و دانش است و راه را برای اندیشمندان دیگر، جهت استفاده بهتر از این نظریات و تکمیل آن‌ها برای حل مسائل جامعه هموارتر می‌کند. مرحوم دکتر حسین عظیمی یکی از دانشمندان معاصر ما بود که برآمد ویژگی‌های شخصی و علمی او باعث شد در طیف وسیع اقتصاددانان قبل و معاصر او کسی تا به این پایه از تخصص و اقبال نزد عموم، اقتصاددانان و جز آن‌ها، مدیران و دولت‌مردان، دست نیابد.

مرگ ناگهانی او باعث شد بسیاری از آثار این نظریه‌پرداز توسعه کشور فرصت انتشار نیابند. از این رو مترجمی که علی‌رغم علاقه و استفاده متخصصان از نظریه‌های عظیمی، چارچوب فکری، روش‌شناسی، و دیدگاه‌های او برای بیش‌تر علاقه‌مندان و منتقدان به دلیل در دسترس نبودن مجموعه آثار او، ناشناخته مانده است. بنابراین، با توجه به لزوم آشنایی کامل‌تر جامعه علمی با نظریه‌ها و چارچوب دانش توسعه به عنوان مهم‌ترین نیاز کشور، از طرف دیگر، حق استادی، سابقه دوستی و همکاری و علاقه‌ام به دکتر عظیمی، مناسب دیدم که به تدوین مجموعه آثارش بپردازم.

خانواده مرحوم دکتر عظیمی تصمیم داشت این کار را به مرجعی رسمی و تخصصی بسپارد، لذا در تابستان سال ۱۳۸۳ مجموعه کتابخانه شخصی و آثار دکتر عظیمی طی توافقنامه‌ای برای تدوین و انتشار در اختیار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقت قرار گرفت. ولی تغییرات بعدی این سازمان باعث متوقف شدن کار شد. فقدان مرجعی موثر برای ادامه کار باعث شد این تصمیم گرفته شود که نگارنده، در حد وسع خود، بخش اول این مجموعه را تدوین کند. این مجموعه بالغ بر ۸۰۰۰ عنوان مطلب شامل کتاب، پایان‌نامه، نشریه، تحقیق، دست‌نوشته، گزارش، اظهارنظر، یادداشت، نمودار و... بود. بررسی این آثار از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ منتج به انتخاب مجموعه حاضر در میان حدود ۵۰۰ اثر شخصی ایشان شد. در بررسی این مجموعه مشخص شد که دکتر عظیمی نگاهی جامع به مجموعه ساختارها و عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور و جهان داشته، به‌طوری که به بیش از ۱۰۰ عامل، ساختار، نهاد، مسئله و... اصلی حوزه‌های فوق به‌طور مبسوط پرداخته است.

سرانجام ۴۶ اثر مهم‌تر از میان حدود ۵۰۰ اثر را برای کتاب اقتصاد ایران: توسعه، برنامه‌ریزی، سیاست و فرهنگ انتخاب کردم. مطالب این مجموعه با توجه به شاخص‌هایی همچون آماده‌بودن، تکراری نبودن، حجم مطلب، فضای موجود کتاب و... انتخاب شدند.

ویرایش متن و نیز عناوین مطالب با رعایت سبک اثر اصلی انجام شد. با این حال، بسیاری از مطالب مهم همچون میزگردها، گزارش‌های طولانی، طرح‌های تحقیقاتی، مقاله‌هایی که بخشی از آن‌ها تکراری بود، بسیاری از مطالب چاپ شده قبلی و... امکان چاپ نیافتند. امیدوارم امکان تدوین، و چاپ سایر مطالب مرحوم عظیمی نیز به همت علاقه‌مندان توسعه ایران به وجود آید.

خوانندگان گرامی و علاقه‌مند به رشد و توسعه و پیشرفت کشور در بخش عمده این کتاب با تعاریف، مفاهیم، شاخص‌ها، کارکردها، چارچوب‌ها و قانونمندی‌های تمدن‌سازی جدید یا توسعه ایران با بیانی ساده و روان مواجه می‌شوند.

با طلب رحمت از خداوند مهربان برای روح مرحوم دکتر حسین عظیمی، این کتاب به معلمان دوران فرهنگ‌سازی رسی دوران ابتدایی و راهنمایی و به‌ویژه به معلمان کلاس اول ابتدایی که پایه توسعه فرهنگ محور ایران‌اند، تقدیم می‌شود.

خسرو نورمحمدی

مردادماه ۱۳۹۰

این مجموعه میسر نمی‌شد. در همین رابطه از آقای سید رحمت‌اله اکرمی، معاون وقت سازمان، که پیگیر این کار بودند تشکر می‌کنم. سرکار خانم ناهید پوررستمی، مدیر وقت این مرکز مدارک و انتشارات به‌طور جدی اقدام به این کار کردند. از سایر همکاران این مرکز مدارک و انتشارات، سرکار خانم‌ها زهره صادق‌صمیمی، گلایل شلویری، شعله تاج، گیتی مستقیم، الهام پورحسین کیانی و آقایان محمد نصیری، امیرعلی حیدری و سایرین به جهت تلاش‌های مشتاقانه‌شان تشکر می‌کنم، رفتار و نوع عملکرد همگی آن‌ها کمک موثری به پیشبرد کار بود.

از آقای جعفر همایی، مدیر محترم نشر نی، نیز سپاسگزارم که چاپ و انتشار مجموعه آثار دکتر حسین عظیمی را بر عهده گرفتند و بیش از انتظار، نگارنده را در تنظیم چارچوب کلی اثر، فصل‌بندی و ویرایش آن، و همچنین در اصلاح برخی کاستی‌ها یاری دادند.

خسرو نورمحمدی

مردادماه ۱۳۹۰

به جای مقدمه^۱

ماهیت و روش در علم اقتصاد^۱

۱. مقدمه

«علم اقتصاد یک علم تجربی-اجتماعی، مولود انقلاب صنعتی، پرورش یافته در دامن عصر نوین تاریخی و در سیر پیشرفت خود همگام با تکامل در جامعه صنعتی است.» در جمله نسبتاً کوتاه فوق چهار مشخصه مهم از مشخصات علم اقتصاد بیان گردیده است. با این همه باید توجه داشت که این مشخصه‌ها ویژه علم اقتصاد نیستند بلکه در تمام علوم اجتماعی دیده می‌شوند. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد که تمامی علوم اجتماعی به صورتی که امروز می‌شناسیم حداقل دارای ۴ خصلت مشترک زیر می‌باشند.

۱. «تجربی»

۲. «مولود انقلاب صنعتی»

۳. «پرورش یافته در دامن عصر نوین تاریخ»

۴. «همگام یافته با تکامل جامعه صنعتی»

با توجه به نکات فوق، اولین قدم در شناخت ماهیت و روش در علم اقتصاد، شناخت این چهار ویژگی است. در این جا با توجه به محدودیت فرصت، فقط به بررسی مفهوم تجربی

از آن جا که این مقاله حاوی نظام اندیشه‌ای و بیانگر دیدگاه علمی مرحوم دکتر حسین عظیمی است، و اکنون که این کتاب منتشر می‌شود، در میان ما نیست که مقدمه‌ای بر کتاب بنگارد، درج این مقاله را به جای مقدمه بی‌مناسبت نیافتیم.

۱. حسین عظیمی، «ماهیت و روش در علم اقتصاد»، نشریه دانشگاه انقلاب، بهار و تابستان ۱۳۷۳، شماره ۱۰۲-۱۰۱، ص ۱۲۲-۱۱۵.

بودن این علوم می‌پردازیم و نتایج حاصله از این امر را در وضعیت علوم اجتماعی و در علم اقتصاد مطرح می‌سازیم. تجربی بودن علوم اجتماعی را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف مشاهده و بررسی کرد. دو دیدگاه مهم در این زمینه عبارتند از:

- ارتباط علوم تجربی و واقعیت‌های خارجی
- مسئله آزمون‌پذیری قضایا

۲. علوم تجربی و واقعیت‌ها

همه علوم تجربی در این نکته مشترک‌اند که تماماً از واقعیت بیرونی و یا به زبان دقیق‌تر از درکی ویژه از واقعیت بیرونی شروع می‌شوند، آنگاه به دنیای تفکر و اندیشه پا می‌گذارند و در نهایت به واقعیت باز می‌گردند. به علاوه، این حرکت به‌طور مداوم تکرار به پویایی و تغییر در هر سه زمینه مورد بحث یعنی واقعیت بیرونی، نحوه تفکر و اندیشه و کاربرد می‌انجامد. دقت در فرایند تشریح شده، مسائل و نکات متعددی را مطرح می‌سازد که عنایت به این نکات برای فهم و درک ماهیت این علوم، به‌ویژه در بطن جامعه و فرهنگ ایران می‌تواند مفید باشد. ذیلاً به طرح پاره‌ای از این مسائل و نکات می‌پردازیم.

